

شازیه بانو

(دانشجوی دوره دکترا جامعه ملیه اسلامیه دهلی نو)

نگاه اجمالی به رباعیات غتی کشمیری

کشمیر از زمان قدیم گهواره علم و ادب و تصوف بوده است و علماء، شعرا، ادباء و صوفیان کرام در این سرزمین پرورش یافتند. از مناطق مختلف هم علماء و صوفیان به این سرزمین گلیوش و زرخیز قدم گذاشتند و اسلام را با این زبان شیرین در سراسر کشمیر ترویج دادند. مردم هم به اسلام و هم به زبان فارسی علاقه پیدا کردند. بعضی از علماء و صوفیان از مناطق مختلف ایران مانند همدان، خراسان، اصفهان و از شهرهای دیگر به کشمیر آمدند و همین جا ساکن شدند.

از این سرزمین هم صوفیان و شاعران منفرد و با کمال برخاستند و جایگاه خودشان را در صف صوفیان و شاعران برجسته ایران و فارسی زبان قرار دادند و در ادب فارسی بريك مرتبه خاصی قرار گرفتند و مانند شیخ یعقوب صرفی، حبیب هلالا حبی، ملا محسن فاتی، ملا طاهر غتی و غیر آن. دیگر شاعران فارسی گو آنقدر از این شاعران کشمیر متأثر و مجذوب می شدند که دیوان خودشان را در برابر يك شعر و امی گذاشتند شاعران کشمیر در همه اصناف سخن مانند غزل، قصیده، رباعی، مرثیه، مثنوی طبع آزمایی کردند و موفق شدند

یکی از صوفی و شاعر برجسته کشمیر ملا محمد طاهر غنی بوده است. که در تصوف يك جایگاه خاصی داشته و در ادبیات فارسی يك سرمایه گرانبهای اضافه کرده است غنی از خانواده اشائی بود و این خاندان از لحاظ علم و دانش خیلی مشهور بود. بیشتر تاریخ نویسان بر این اتفاق دارند که غنی در سال ۱۰۴۰هـ به دنیا آمد. در مورد زندگی ایشان اطلاعاتی کافی نداریم و مورخین می نویسند که غنی در فقر و تنگدستی زندگی می کرد و گوشه نشینی را می پسندید. غنی برای سکونت خود اتاق کوچک و محقری برگزیده بود و هنگامی که خارج می شد، در را باز میگذاشت و چون بر میگشت؟؟ در خانه را بر روی خود می بست؟؟ چون از او علت این کار غیر عادی را سو؟ ال کردند؟؟ پاسخ داد که بستن در برای نگهداری مال و متاع خانه است و متاع آن جز خود او چیزی؟ نیست؟؟ بنابراین وقتی برمی گشت در را میبندد تا در امان باشد و هیچ وقت از کسی کمک نخواست و در اشعار هم به این جانب اشاره نمود و گفت -

غنی از ننگ نام زر نگیرد

که نام زر گرفتن هم گدای است

? غنی تمام عمر را در غربت و تنهایی بسر می نمود و عمر کوتاهی داشت. بخاطر مریضی تب در سال ۱۰۹۷هـ چشم از جهان فرو بست

? غنی در دوران شاهان مغول می زیست آن وقت بازار شعر و شاعری می درخشید. غنی هم به این فن خیلی علاقه مند بود و از محضر شاعر برجسته آن زمان ملا محسن فاتی کشمیری استفاده می

نمود و از مواعظ و مجالس عرفای عصر خود استفاده کامل برد
و برای تزکیه نفس و تهذیب اخلاق به مجاهداتی پرداخت.؟ و در
تصوف و شعر و شاعری اوج کمال رسید از صفای طینت و علو
همت بهره‌های کافی داشته و اغلب اشعارش مبین این است که
غنی از جهات معنوی نیز غنی بوده است.؟ اشعار غنی کشمیری
همچنین از نگاه معناپردازی نوگراست.؟ - غنی در تمام اصناف
سخن غزل.؟ قصیده.؟ مثنوی و رباعی شعر می سرود - شاعر نامور
اقبال لاهوری در سفر آسمانی خودش در جاویدنامه از این
شاعر کشمیری اینطور یاد کرده است -

غنی آن سخن گوی بلبل سفیر

نوا سنج کشمیر مینو نظیر

شاعر رنگین نوا طاهر غنی

فقر او باطن غنی ظاهر غنی

? اگر چه عمر خیام استاد رباعی است ولی غنی هم در این
فن از شعرای رباعی گو عقب نماند و بیش از صدر رباعی در دیوانش
موجود است - غنی در رباعیات خود تقریباً بر هر موضوعی نظر
داشت و با معنی کامل و دلکش بیان نمود - غنی چونکه از
خواهشات و تجملات دنیا دور بود ، زندگی را در فقر و تنگدستی
پی می نمود و هیچ وقت دست خویش را جلوی کسی دراز نکرد
فقط شعر و شاعری ایشان را مسرت می بخشید - غنی مال و متاع
دنیا را دوست نداشت و این را هم در رباعیات خود زکر نمود -

تا فقر شده مقیم کاشانه ما

از گرد امل تهی است ویرانه ما

رفتن به در خانه مردم عیب است
امروز که فاقه است در خانه ما

غنی موضوعات اخلاقی؟، انسان شناسی؟، اخوت
وبرادری؟، ارزش علم، تقرب الهی، پرهیز از ریاکاری و غیره را در
رباعیات بیان نموده است. و هم برای مردم راهای رسیدن به
کمال ذکر کرده است و می گویند که هر کسی که مطالب صحیح و
معنی دار را بگوید بگیری این نبیند که ایشان کی است؟؟ حسب
و نسب چه دارد؟، از کدام مذهب و ملت است و چیزهای دیگر
همانطور که حضرت علی می فرماید "انظر الی ما قال، و لاتنظر الی
من قال"، به گفته بنگر نه به گوینده، (غرر الحکم ۱۶۳). غنی هم
این مطلب را خیلی زیبا بیان نمود.

ای در طلب کمال سرگرم شتاب
صورت کس مبین و معنی دریاب
هر چند عقیق است با آتش هم رنگ
ارد بدهان تشنه خاصیت آب

? در نظر غنی هر آنکس که به زرق و برق دنیا علاقه و بیوند
داشته باشد نمی تواند کمال برسد و موفق شود ولی هوشمند و
زرنگ کسی است که دنیا را مزرعه آخرت بگمارد و از زرق و برق
دنیا بی خبر باشد و ایشان موفق و موید د و فارغبال است.

هوش است که سرمایه صد درد سراسر است
فارغبال آنکه از جهان بی خبر است
در بیضه نمی کند مرغان فریاد
هر چند که بیضه از قفس تنگتر است

در کلام پاك خداوند در مورد آدمهای بد آمده است که
ا؟ و لَيْتَكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ '????????'، یعنی اینها مانند
چهارپایند؟؟، بلکه گمراه تر (سوره اعراف) ۹۷۱ یعنی هیچ چیزی
بر دل اینها اثر نمی گزارد - در یکی دیگر از رباعی غنی هم
در مورد این آدمهای بد و تیره دل صحبت کرده و می گوید که
هیچ چیزی بر قلب اینها تاثیر نمی گیرد هر چند با پاکان و نیکان
بنشینند و اینطور مطلب را آورده است -

بد گر چه دمی چند به نیکان بنشست

سر رشته نیکیش نیفتاد بدست

از تیره دلی پاك نشد خاکستر

هر چند که با آتش و آئینه نشست

? انسان اگر عبادت و بندگی کند فقط برای رضای خالق
دو جهان؟؟، مالک کائنات باشد نه برای دیگران چون در هر
عملی که ریا داشته باشد ضایع می شود سودی ندارد بلکه غنی
کشمیری او را زاهد خشک خوانده که مردم از او سودی نمی برند
و می گوید -

در فصل بهار پارسا نتوان شد

هم صحبت ارباب ریا نتوان شد

هم فیضی نبرد هیچکس از زاهد خشک

سیراب ز موج بوریا نتوان شد

? کشمیر بنام "رش ور" یعنی سرزمین صوفیان مشهور است
واز گوشه جهان و از کل هند صوفیان و ریاضت کشان به این
سرزمین پرسکون و سرسبز پناه می بردند و مشغول عبادت و ریاضت

میشدند و بیشترشان برای همیشه در همین سرزمین سکونت
گرفتند. غنی چونکه کشمیری بود هیچ جایی را با کشمیر مقایسه
نمی کرد و کشمیر را از همه جا بیشتر دوست می داشت و تمام
زندگی از کشمیر بیرون نرفت اگرچه از اشعارش معلوم می شود
که غنی سفری به هند نموده اما دل تنگی داشت و این دلگیری را
در رباعی زیر بیان می کرد.

کرده است هوای هند دلگیر مرا

ای بخت رسان بباغ کشمیر مرا

گشتم ز حرارت غریبی بیتاب

ز صبح وطن بده طباشیر مرا

?غنی در کلامش درس بیداری و هوشیاری داد تا از
دوست فریبکار در امان باشیم چون بعضی در ظاهر اظهار دوستی
می کنند ولی در باطن دشمنی دارند? حسد دارند غنی هم
قلب خودش را به این سخن بر حزر میدارد و می گوید.

ای دل نخوری فریب ارباب دغا

غافل نشوی ز دشمن دوست نما

هر چند که آستین نماید فانوس

در کشتن شمع باشدش دست رسا

?غنی اگرچه از خواهشات و تمایلات دنیوی کناره نشینی
می کرد ولی با این حال از قدرت و مناظر آفریننده لطف اندوز می
شد و با معنی عمیق و دقیق مانند شاعران دیگر از زیبای دست بر
نداشت و به نحو است.

برخیز غنی هوای فروردین است

می نوش که وقت باده خوردن این است
فصلی است که آشیان مرغان چمن
ز کثرت گل چون سبد گلچین است
غنی در اشعار خود؟؟ استعارات و تشبیهات را به زبان
شیرین و ساده آورد و خواننده را يك سکون روحی فراهم کرد
وسخن را بیشتر جذاب و دلنشین نشان داد ماننده این رباعی-
از بس که گلی نبود در گلشن ما
خاری نزد است دست در دامن ما
از چشم بد برق نترسیم که سوخت
در خرمن ما ماننده سپند دانه

? اشعار غنی در عالم گردید اگر چه غنی از مردم بی تعلق
بود. شاعر نامور صائب وقتی به اشعار پر مغز غنی روبرو شد
مریدش گشت اشعار آنقدر طراوت و حلاوت داشت که از خطه
کشمیر هیچ کس مثل ایشان شعر فارسی نمی سرود و هنوز شاعران
و ادیبان از اشعارش لطف میبرند. آن چیزی است که غنی هم به
آن اشاره کرده بود-

از خلق بگوشه نشستم نهان
میگردد از این ره سخنم گرد جهان
ترسم دگر سخن شود گوشه نشین
از خانه برون آیم اگر همچو زیان
بنابر این رباعیات غنی هم مانند غزلیات ایشان يك
طراوت و جذابیت خاصی دارد و به انسان درس ساده زیستی
،؟ اخلاقیات ،؟ پرهیزکاری و توحید می دهد. ما هر چقدر

در مورد اشعار این شاعر صوفی منش بنویسیم باز هم کم است چون غنی خدمت بزرگی را به ادبیات فارسی بلخصوص فارسی شاعری نمود و شهرت فراوانی ایشان به گوشه جهان رسید اما متا؟ سفانه این شاعر عظیم عمر زیادی نداشت و گرنه ما بیش از این از علم و عظمت این شاعر برجسته مستفید می شدیم۔
فهرست منابع

- ۱: پارسی سرایان کشمیر؟، گ ل تیکو؟، انتشارات انجمن ایران و هند تهران؟ ۲۲۹۱، ع
- ۲: تذکره شعراء کشمیر؟، پیر حسام الدین راشدی؟، زین آرث پریس ریلویروڈ الہور۔ اقبال اکیڈمی پاکستان، ۵۶۴۳۱
- ۳: دیوان غنی کشمیری؟، غنی کشمیری؟، سیکریٹری جموں اینڈ کشمیر اکیڈمی آف آرٹ کلچر اینڈ لنگویجز؟، ۴۸۹۱، ع
- ۴: غرر الحکم؟، عبدالواحد آمدی؟، با شرح و ترجمہ رسول محلاتی؟، دفتر نشر فرهنگ اسلامی قم ایران؟ ۸۷۳۱، ش
- ۵: فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ؟، ڈاکٹر محمد ریاض و صدیق شبلی؟، نیو بسمہ کتاب گھر؟ ۶۱۰۲، ع
- ۶: قرآن کریم؟، انتشارات آیین دانش؟، قم ایران؟ ۷۹۳۱، ش
- ۷: کشمیر کے فارسی ادب کی تاریخ؟، عبدالقادر سروری؟، مجلس تحقیقات اردو کشمیر سرینگر؟ ۸۶۹۱، ع
- ۷: کشمیر کے فارسی ادب کی تاریخ؟، م۔ م۔ مسعودی؟، بک میڈیا انڈین پرنٹنگ پریس ڈلگیٹ سرینگر
- ۸: کشمیر کے فارسی شعرا؟، محمد صدیق نیاز مند؟، اویس وقاص پبلشنگ ہاوس؟ ۴۳۳۱، ۵